

Feasibility of claiming material and spiritual damages in lawsuits against the state

Sam Mohammadi¹, Mehdi Taleghan Ghaffari^{*2}, Setareh Ayoubi³

1. Professor of private law of the University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

2. PhD student of private law of the University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

3. PhD student of private law of the University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Abstract

Governments are responsible for providing social resources via their hierarchies of managers and organizational structures. An increasing development in state activities can in turn increase the chances for damaging nations. Particular to this study, excessive material and spiritual damages have been imposed on Iranians due to the entry of Coronavirus into the country, the inappropriate and untimely notification of the entry by the state, and the shortage of virus detection equipment. As obviously stated in the Civil Liability Law, a fundamental principle of Jurisprudence and law involves the necessity of damage compensation by the damager. Although the available jurisprudential and legal documents do not provide any pieces of evidence regarding the irresponsibility of the state for its actions, the article 11 of the Civil Liability Law does not hold the state accountable in this regard. This study is an attempt to illustrate why the state must be held accountable for the given Coronavirus damages. The study hence draw upon the principles of No Harm, Spoilage, Causation, Al-Kharaj bi Al-Dhiman, Unlawful Possession, and Justice in order to suggest that all sorts of damages must be appropriately compensated, without taking the state as an exception.

Keywords: Corona, damage compensation, government, governance, causation, Civil liability.

* Corresponding Author: m.taleghanghafari@stu.umz.ac.ir



Article Type:

Original Research


Pages: 29-59

Received: 2021 April 7

Revised: 2021 July 12

Accepted: 2022 April 24



 This is an open access article under the CC BY license.

امکان‌سنجی طرح دعوی مطالبه خسارات مادی و معنوی ناشی از کرونا علیه دولت

سام محمدی^۱، مهدی طالقان‌غفاری^{۲*}، ستاره ایوبی^۳

۱. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
۲. دانشجو دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
۳. دانشجو دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

چکیده

از آنجا که دولت‌ها وظیفه تأمین منافع اجتماعی را بر عهده دارند، این مهم را به‌وسیله مدیران و تشکیلات سازمانی خود محقق می‌نمایند. توسعه روزافزون حوزه‌های دخالت و فعالیت‌های دولت، ورود خسارت به مردم را در مواردی اجتناب‌ناپذیر نموده است. ورود ویروس کوئید ۱۹ (کرونا) به کشور و عدم اطلاع‌رسانی درست توسط دولت و کمبود تجهیزات تشخیصی وزارت بهداشت موجب ورود خسارات جانی و مالی فراوانی را فراهم آورد. همواره یکی از اصول مسلم در عالم فقه و حقوق، لزوم جبران خسارات وارده توسط عامل ورود زیان است که در قانون مسئولیت مدنی صراحتاً بدان اشاره شده است؛ با این حال ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی دولت را در قبال انجام امور حاکمیتی مسئول قلمداد ننموده و این در حالی است که بر اساس مستندات فقهی و حقوقی موجود، توجیهی برای عدم مسئولیت دولت و مدیران آن وجود ندارد. مقاله حاضر با اهتمام ویژه درصدد اثبات این مهم در موضوع مستحدثه خسارات حادث شده ناشی از شیوع ویروس کرونا است؛ از این‌رو دولت و مدیران آن را باید با استناد به قواعد فقهی لاضرر، اتلاف، تسبیب، ضمان ید، الخراج بالضمن و اصل وحدت شخصیت اشخاص حقیقی و حقوقی و نهایتاً تکیه بر عنصر حیاتی عدالت که مبنای اصلی حقوق است، مسئول جبران ضرر و زیان‌های مادی و معنوی وارده به اشخاص در تمامی اعمال قلمداد نمود.



نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۲۹-۵۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۴



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

واژگان کلیدی: کرونا؛ جبران خسارت؛ دولت؛ حاکمیت؛ تسبیب؛ مسئولیت مدنی.

درآمد

براساس اخبار موثق منتشر شده از رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران، ویروس کرونا با نام علمی کوئید ۱۹ از بهمن‌ماه سال ۱۳۹۸ وارد کشور شد. خاستگاه اصلی این بیماری به‌واسطه تحقیقات صورت گرفته سازمان بهداشت جهانی، کشور چین و شهر ووهان بوده و از آنجا با سرعت و در مدت زمان کوتاهی به اقصی نقاط دنیا سرایت نمود. دولت‌ها برای جلوگیری از ورود این ویروس اقدامات احتیاطی بسیاری انجام داده و قوانین سخت‌گیرانه‌ای وضع نمودند؛ در این بین بیماری یادشده با سرعت وارد کشور ایران شده و تعداد کثیری از افراد را به کام مرگ کشانده و موجبات نابسامانی اقتصادی و تعطیلی کسب‌وکارهای خرد و کلان و در نتیجه بیکاری افراد متعددی را فراهم آورد.^۱

هرچند دولت ایران از همان بدو ورود ویروس کرونا اقدامات احتیاطی بسیاری را مقرر نمود و در این راستا ستاد ملی کرونا را به ریاست رئیس‌جمهور ایجاد کرد؛ ولیکن روند شیوع این ویروس به قدری پیچیده و همه‌جانبه بوده که زمینه‌ساز ورود خسارات مادی و معنوی بی‌شماری به آحاد مردم شد. علی‌ای‌حال از ابتدای ورود بیماری کرونا عده‌ای دولت را به دلیل رعایت نکردن اقدامات پیشگیرانه، تأخیر در اعلان زمان ورود کرونا به کشور، عدم اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف به مردم، عدم آگاهی بخشی به موقع به افراد جامعه و اشخاص و هم‌چنین عدم تمهید بیمارستان‌ها و مراکز بهداشت مقصر قلمداد نموده‌اند. از طرف دیگر ادامه مبادلات اقتصادی با کشور مبدأ آلودگی و فعالیت‌های مکرر شرکت‌های هواپیمایی در حمل‌ونقل مسافران بین دو کشور ایران و چین از عمده دلایل فراگیری ویروس در کشور به شمار می‌رود. عده‌ای بر این باورند که شیوع بیماری در چنین گستره فراگیری، نتیجه کاهلی دولت بوده و به همین سبب می‌بایست از عهده خسارات و غرامات وارده به افراد و اشخاص برآید. در واکنش به انتقادات مذکور، مقامات دولتی جمهوری اسلامی ایران همواره بر این امر تأکید داشتند که تمامی اقدامات صورت گرفته با رعایت کامل پروتکل‌های بهداشتی انجام شده و دولت با تمام توان خود به جلوگیری از ورود ویروس کرونا پرداخته است.

به نظر می‌رسد اظهارات بعدی مقامات دولتی گواهی بر تائید ادعاهای منتقدان و اماره‌ای بر کافی نبودن اقدامات ضروری پیشگیرانه تلقی می‌شود؛ چراکه رئیس‌جمهور

۱. وبگاه خبری ایرنا <<https://www.irna.ir/news/83838190>>، تاریخ مراجعه ۱۳۹۹/۵/۲۰.

در جلسه ستاد ملی کرونا صراحتاً منشأ اولیه شروع ویروس در ایران را مسافران بازگشته از شهر ووهان چین به استان‌های قم و گیلان بیان نموده است.^۱ همچنین معاون اول وزارت بهداشت ناآگاهی از ورود ویروس کرونا به کشور و تقارن زمانی کرونا و اپیدمی آنفلانزا را دلیلی بر عدم تشخیص درست بیان داشتند؛^۲ بنابراین این پژوهش با مفروض دانستن اثبات کم‌کاری دولت در موضوع یاد شده مورد نگارش و کتابت قرار گرفته است.

بر این اساس پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤالات است که اولاً آیا می‌توان برای دولت و دولتمردان قائل به مسئولیت مدنی به واسطه ترک فعل و کاهلی در انجام وظایف محوله شد؟ و ثانیاً آیا امکان مطالبه خسارات مادی و معنوی ناشی از کشته شدن تعداد زیادی از مردم و مشکلات اقتصادی حادث شده از اشخاص یاد شده وجود دارد؟

بدین منظور جستار پیش رو در چندین بخش اصلی به واکاوی مفهوم مسئولیت مدنی دولت؛ بررسی مبانی نظری مسئولیت مدنی دولت؛ مبانی فقهی و قانونی مسئولیت مدنی دولت پرداخته و از رهگذر این مباحث، موضوع مستحدثه دولت و مطالبه خسارات مادی و معنوی ناشی از کرونا مورد ارزیابی قرار گرفته خواهد شد.

۱. مفهوم مسئولیت مدنی دولت

سنجش امکان مطالبه خسارت از دولت در وهله نخست مستلزم اثبات و پذیرش مسئولیت مدنی دولت است. مسئولیت مدنی در اصطلاح حقوقی در دو معنای عام و خاص به کار برده می‌شود. در معنای عام به هر تعهدی که مقنن بر عامل زیان برای جبران خسارت بار می‌نماید، مسئولیت مدنی اطلاق می‌شود. این تعهد ممکن است ریشه قراردادی داشته و یا فاقد آن باشد (بادینی، ۱۳۸۴: ۳۲). مسئولیت مدنی در معنای خاص منصرف از مسئولیت قراردادی است. قانون‌گذار تکالیف عامی را برای همه آحاد جامعه معین می‌نماید که اگر از این تکالیف تخطی شود و در نتیجه خسارتی به بار آید،

۱. وبگاه خبرآنلاین <<https://khabaronline.ir/news/1411353>>، تاریخ مراجعه ۱۳۹۹/۵/۲۰.

۲. وبگاه خبری تسنیم <<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/12/28/2225941>>، تاریخ

مراجعه ۱۳۹۹/۵/۲۰.

شخص عامل زیان مسئول جبران خسارت وارده و تدارک آن خواهد بود (موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۶۳). از سوی دیگر، واژه دولت در دو معنا مورد استفاده قرار می‌گیرد. معنای عام دولت شامل همه قوای عمومی و دستگاه‌های حاکمیتی است (استوار سنگری، ۱۳۹۰: ۵) و معنای خاص آن صرفاً به قوه مجریه توجه دارد (بهرامی احمدی، علم خانی، ۱۳۹۲: ۸۵)؛ لکن علی‌رغم آنکه جبران خسارات وارده به افراد همواره به‌عنوان یک اصل مورد پذیرش دول مختلف قرار گرفته است؛ اصل جبران خسارت توسط دولت و مؤسسات عمومی تا قرن نوزدهم اساساً مورد پذیرش واقع نشده بود (صفایی، رحیمی، ۱۳۹۲: ۳۲۷). در این دوران اعتقاد بر مقدس بودن حاکمان به‌وضوح مشخص بود تا جایی که اطاعت از پادشاهان واجب محسوب می‌شده است. (Hegel, 1956:123) اعتقاد عمومی بر این بوده که پادشاه به‌هیچ‌وجه اشتباه نمی‌کند؛ بنابراین فرض مسئولیت چنین فردی در برابر مردم عبث و بیهوده جلوه می‌نمود و نظریه خطاناپذیری حاکم به صورت قاطع مورد قبول و پذیرش آحاد جامعه قرار داشت (ریاحی، ۱۳۹۷: ۱۸۴). در این زمان حقوقدانان نیز همسو با حکام و عوام بر این اعتقاد بودند که حاکمیت مطلق با پذیرش جبران خسارت توسط حکومت منافات داشته؛ بنابراین در صورت ورود خسارت از جانب حاکمیت امکان جبران خسارت وجود نخواهد داشت (ابوالحمد، ۱۳۷۶: ۵۴۳). این نظریه در نیمه نخست قرن ۱۹ دستخوش تغییر شد. در این برهه افزایش فعالیت‌های دولت در برخی موارد با ورود ضرر به مردم همراه شد و منافع سرمایه‌گذاران به‌عنوان قشر ذی‌نفوذ جامعه ایجاب می‌نمود تا در برابر خسارات وارده، دولت مجبور به جبران خسارت شود؛ چراکه بخش عمده‌ای از منافع دولت‌ها و توسعه کشور، در گرو فعالیت‌های اقتصادی سرمایه‌داران بوده و هست (غمامی، ۱۳۷۶: ۱۶). نتیجه آنکه رویه سابق دچار تحولاتی شگرف شد و به تبع آن حقوقدانان در تغییر این نگرش نقش مهمی ایفا نمودند. دکتترین وظایف دولت را به دو قسم «حاکمیتی» و «تصدی‌گری» منقسم نمودند. در اعمال حاکمیتی دولت در نقش فرماندهی مقتدر با هدف تامین نفع عمومی برای آحاد جامعه می‌تواند از حق حاکمیت و اقتدار ملی استفاده کند؛ ولیکن در اعمال تصدی‌گری دولت می‌تواند به مانند سایر اشخاص حقوقی در نقش‌های مختلف مانند تاجر و صنعتگر و... ظاهر شده و به دادوستد بپردازد (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۲۵). این تقسیم‌بندی برای نخستین بار توسط حقوقدانان فرانسوی مطرح شد و طرفداران بسیاری در نقاط مختلف دنیا یافت. تفکیک

صورت گرفته در سال ۱۳۳۹ به قانون ما رسوخ پیدا نمود؛ از این‌رو ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی اشعار داشته است: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارات وارده می‌باشند. ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا موسسه مربوطه است. ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.» با گذر زمان از پیروان این نظریه کاسته شد و تا حد زیادی حالت متروک به خود گرفت (میرداداشی، ۱۳۹۲: ۱۲۶). ایرادات متعددی بر نفی مسئولیت دولت به دلیل ایفای نقش حاکمیتی وارد است اولاً در اصل ۲ قانون اساسی عدل به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی نظام اسلامی مورد اشاره قرار گرفته و عدم مسئولیت دولت در امور حاکمیتی باهدف تحقق عدل سازگار نیست (بهرامی احمدی، ۱۳۹۱: ۵۰۶). دوما در تشخیص و تفکیک امور حاکمیتی از اعمال تصدی ضابطه و معیار دقیقی وجود ندارد (صفایی، رحیمی، ۱۳۹۲: ۳۳۱) و این امر موجبات گمراهی و تضییع حقوق شهروندان را در بسیاری از مواقع فراهم خواهد نمود. شایان ذکر است، مسئولیت دولت را از جنبه خطای اداری نیز می‌توان بررسی نمود. توضیح آنکه مقصود از خطای اداری آن است که اشخاص وابسته به دولت فعالیت ناصحیحی انجام نداده‌اند. حال آنکه مواردی نظیر امری که بر عهده دولت بوده انجام نپذیرفته یا به درستی صورت نگرفته یا با تاخیر بسیار انجام شده است. در خصوص هر یک از این موارد می‌توان به عدم نصب تابلو خطر در جاده، خرابی چراغ راهنمای چهارراه و تاخیر در ارسال مراسلات اشاره نمود. همگی موارد مذکور در بالا به نوعی مسئولیت دولت را در خود جای داده است و در صورتی که از جنبه و زاویه درستی به آن توجه شود می‌تواند زمینه‌ساز شناسایی این قسم مسئولیت برای دولت شود.

۲. مبانی نظری مسئولیت مدنی دولت در خصوص آسیب‌های ناشی از ویروس کرونا

بعد از تبیین مفهوم مسئولیت مدنی دولت؛ حال بر آنیم تا مبانی نظری مسئولیت

مدنی دولت را بر اساس تئوری‌های موجود مورد مذاقه قرار دهیم؛ از این رو سؤالی که در این قسمت قابل طرح است این است که دولت بر چه مبنایی مسئول جبران خسارات وارده به شخص زیان دیده است؟ حقوقدانان برای پاسخ به پرسش مطروحه نظریات مختلفی ابراز داشته‌اند که در ذیل اهم آن‌ها از نظر خواهد گذشت.

۲-۱. نظریه مسئولیت مبتنی بر تقصیر

درباره تعریف تقصیر بین حقوقدانان بحث و اختلاف نظر وجود دارد چراکه شناسایی خطا از صواب و تعیین معیار تشخیص آن؛ امری بسیار دشوار است (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۳۴۷). با این اوصاف قانون مدنی در ماده ۹۵۳ تا حدی سعی در تعیین مفهوم تقصیر نموده است. این ماده بیان داشته است که تقصیر اعم از تفریط و تعدی است. مقنن در مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ به تعریف تعدی و تفریط پرداخت است. بر مبنای این نظریه جبران خسارت متوقف بر اثبات رابطه علیت بین تقصیر فرد و ضرر وارده است (قاسم‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۵). مطابق آن اگر دولت مرتکب تقصیر گردد و به غیر ضرری وارد آورد مسئول جبران آن خواهد بود (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۸: ۱۸۶).

معیار تعیین تقصیر در مواردی نوعی^۱ و در برخی موارد شخصی^۲ است. اگر ایراد خسارت توسط مستخدمین دولتی به عمد یا در نتیجه بی احتیاطی یا خروج از صلاحیت تفویض شده صورت گیرد؛ عامل ضرر خود مسئول خواهد بود ولی اگر ورود ضرر مستند به فعل غیر باشد و نقص کمی و کیفی ابزار در تحقق آن تأثیرگذار باشد دولت مسئولیت جبران آن را بر عهده خواهد داشت؛ چراکه انسان متعارف با وجود چنین مواردی امکان دفع ضرر را نخواهد داشت.

دولت در بحث بیماری کرونا مکرراً اقدام به اتخاذ تصمیماتی بدون در نظر گرفتن ضمانت اجرای مناسب نمود و پس از شیوع گسترده این بیماری صرفاً با بیان نکاتی ارشادی درصدد جلوگیری از تردهای غیر ضروری به استان‌های دیگر برآمد که این امر بیانگر عدم اهتمام و در نتیجه ارتکاب تقصیر در ایجاد وضعیت موجود است.

۱. تقصیر نوعی: مقصود از تقصیر نوعی، تجاوز از رفتار یک انسان متعارف در شرایط خارجی حادثه زیان بار بدون سنجش و ارزیابی وضع روحی فاعل زیان است (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۵).

۲. تقصیر شخصی: مقصود تجاوز از هنجارهای قابل انتساب به فاعل آن است (باریکلو، ۱۳۸۹: ۴۵).

چنین اقدامات ضعیف و بدون پشتوانه کافی حقوقی، نه تنها فاقد عنصر بازدارندگی برای متخلف است؛ بلکه بستر مناسبی برای سودجویان فراهم می‌آورد تا از این فضای مه‌آلود و استیصال افراد جامعه بهره برده و ایشان را به کام مرگ بکشانند. تقصیر در این مفهوم شامل حداقل اقدام دولت در شرایطی چنین بحرانی، آگاهی رسانی دقیق و هشدارهای به موقع است.

اطلاعات متناقض و بعضاً نادرست در مورد COVID-19 تهدیدی برای درک عمومی و تصمیم‌گیری است و در نتیجه تلاش‌ها برای ایجاد یک پاسخ موثر همه‌گیر را به خطر می‌اندازد. چه اینکه ایران دو مورد تایید شده اول شیوع خود را در ۲۸ بهمن ۱۳۹۹، در شهر قم گزارش کرد. این در حالی است که گزارش‌های متعدد نشان می‌داد که شیوع کووید ۱۹ ممکن است هفته‌ها قبل از آن اتفاق افتاده باشد و تأخیر در تأیید رسمی ظاهر ویروس، روند اقلان‌سازی عمومی را با چالش مواجه کرد (Wright, 2020: 1-3). با این حال، ضعف همکاری‌های بین بخشی در دولت به عنوان یک کل برای مبارزه با همه‌گیری، مشکلات در واردات برخی از داروها و تجهیزات پزشکی حیاتی به دلیل تحریم‌ها، زیرساخت‌های نامناسب پزشکی و فرآیند بستری در برخی شهرها و عدم دسترسی به تجهیزات حفاظتی مانند ماسک صورت و ضدعفونی‌کننده‌ها از جمله چالش‌های پیش روی سیاست‌گذاران دولت ایران در مواجهه با کرونا در ایران بود (Bagheri Lankarani et al, 2021: 1-8) از این حیث، نقش دولت در مدیریت بحران و چالش‌های فراگیر و ملی بیش از پیش اهمیت دارد و هرگونه تعلل و یا کم‌کاری در ارائه‌ی این نقش، می‌تواند موجب ایجاد خساراتی برای عموم مردم شود؛ لذا این مهم در قانون مدیریت بحران که در سال ۱۳۹۸ تصویب شد به طور صریح در مواد مختلف مورد اشاره قرار گرفته است؛ البته لازم به ذکر است که بدون تردید دولت وظیفه حفظ امنیت روانی آحاد مردم را نیز بر عهده دارد و گاهی تأکید موجد بر برخی مسائل می‌تواند موجبات از بین رفتن امنیت روانی و افزایش نگرانی را به همراه داشته باشد؛ ولیکن به نظر می‌رسد تمسک به این توجیه نمی‌تواند از عوامل رافع مسئولیت دولت تلقی گردد.

۲-۲. نظریه مسئولیت بدون تقصیر

در اواخر قرن نوزدهم باهدف گسترش مسئولیت دولت و تحقق عدالت، نظریه

جدیدی در باب مسئولیت مدنی دولت مطرح شد. در بسیاری از موارد ورود ضرر در نتیجه تقصیر دولت نمایان نمی‌شود؛ بلکه بدون آنکه نهادهای عمومی و مستخدمین آن‌ها مرتکب تقصیری شوند و نقض قانونی تحقق یافته باشد به شخص یا اشخاص ضرری وارد می‌آید؛ از این رو صرف اتکا به عنصر تقصیر ممکن است موجبات عدم جبران خسارات را فراهم آورد. بدین منظور صرفاً با ورود ضرر به واسطه فعل یا ترک فعل و کشف رابطه سببیت، دولت موظف به جبران ضرر وارده خواهد بود (رضایی زاده، عطریان، ۱۳۹۲: ۲۰) و از این طریق انصاف و عدالت بال‌های خود را بر متضررین نخواهند گشود.

یکی از نظریه‌هایی که در قالب نظریه عدم تقصیر خودنمایی می‌کند، نظریه خطر است. بر مبنای این نظریه هرگاه دولت عملی انجام دهد و با ارتکاب آن خطری ایجاد گردد حتی اگر اقدام دولت از مصادیق تقصیر تلقی نشود ولیکن خسارتی به شخص یا اشخاص وارد شود، دولت مکلف به جبران ضرر وارده است (فقهی، ۱۳۸۸: ۳۳). بر اساس این نظریه مسئولیت مدنی دولت تا حد زیادی توسعه می‌یابد و بدین طریق امکان مطالبه خسارت از نهادهای دولتی به سهولت امکان پذیر خواهد بود؛ از این رو عدم رعایت نکات احتیاطی توسط دولت و تأخیر در زمان اعلان ورود و ویروس کرونا و ادامه مبادلات اقتصادی با کشور مبدأ آلودگی؛ مصداق بارز ایجاد خطر تلقی می‌گردد. به عبارت دیگر حتی عدم اقدام به موقع خود نوعی تقصیر محسوب می‌شود و لزوماً نباید به دنبال اقدام خطاکارانه بود.

۲-۳. مسئولیت مبتنی بر نظریه تضمین حق

نظریه تقصیر با وجود آنکه در کشورهای مختلف دنیا مورد توجه واقع شده؛ ولیکن در مواردی که ضرر بدون ظهور عنصر تقصیر وارد می‌گردد نمی‌تواند راهگشا باشد. از سوی دیگر پذیرش نظریه خطر موجبات تضییع حقوق مرتکبین را در مواردی فراهم می‌آورد و این امر با وجود پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی تا حد زیادی ترس و دلهره را در افرادی که فعالیت مشروع پرخطر انجام می‌دهند به وجود آورده و از کارکرد آن‌ها خواهد کاست؛ از این رو باید از قید انتخاب انحصاری یک نظریه گذشت و با توجه به شرایط و اوضاع و احوال حاکم در مواقع ورود ضرر برای جبران آن اقدام نمود. خصوصاً

آنکه در موضوع بحث در باب مسئولیت دولت هم با توجه به حساسیت‌ها و وسعت مسئولیت دولت، نمی‌توان آنگونه مبسوط‌الید به این امر پرداخت و ملاحظات شخصیت دولت را باید ملحوظ نظر قرار داد.

بر اساس استدلال فوق برخی بیان داشته‌اند که نظریه تقصیر و خطر به تنهایی نمی‌توانند مبنای مسئولیت قرار گیرند؛ لذا جمع این دو نظریه می‌تواند نتایج مثبتی به همراه داشته و هدف جبران خسارت را محقق کند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۱). این اعتقاد با توجه به احکام ویژه قانونی قابل دفاع نبوده؛ از این رو نظریه تضمین حق مطرح شد. بر اساس این نظریه هر کس در جامعه نسبت به تمامیت جسمی و اموال خود حقی دارد و دولت موظف به رعایت و تضمین این حقوق است و اگر تضییع گردند، تعهد به جبران خسارت وجود خواهد داشت (احسانی آملی، ۱۳۹۶: ۴۴). یکی از مهم‌ترین حقوق اجتماعی، حق برخورداری از بهداشت عمومی است. بهداشت به مجموعه‌ای از علوم مختلف با هدف جلوگیری از ابتلای مردم به بیماری و رساندن آحاد جامعه به سلامتی گفته می‌شود؛ بنابراین بهداشت به‌عنوان یکی از ارکان اساسی در نظام حقوق بشر مورد تأکید ویژه قرار داشته و به دلیل اهمیت والای آن، اسناد حقوق بشری، قانون اساسی و قانون حقوق شهروندی صراحتاً از این مهم سخن به میان آورده‌اند؛ از این رو دولت با فراهم‌نیارندن وسایل تشخیصی و امکانات کمی و کیفی مناسب پزشکی در مقوله ویروس کرونا؛ به وظایف محوله خود به‌درستی عمل نکرده و می‌توان بر اساس این منطق او را مسئول جبران خسارات وارده قلمداد نمود. حتی مواردی نظیر عدم توانایی و کنترل قیمت‌ها، نوسانات مبلغی، احتکار اقلام مورد نیاز و عدم توانمندی دولت در مدیریت موارد مذکور نیز خود جلوه‌ای دیگر از مسئولیت‌های دولت بر مبنای این نظریه است.

۳. مبانی فقهی و قانونی مسئولیت مدنی دولت در خصوص آسیب‌های ناشی

از بیماری کرونا

برای حل یک موضوع یا بدست آوردن پاسخ یک مسئله نگاه ۳۶۰ درجه‌ای به موضوع می‌تواند بسیار راهگشا باشد؛ چراکه با نگاه از هر زاویه، ابعاد مبهم دیگری از مسئله در پیش دیدگاه آدمی روشن می‌شود که سبب راحت‌تر شدن حل مسئله می‌گردد.

از برخی قواعد فقهی و مفاد قانونی، مسئولیت مدنی دولت به جبران خسارت قابل برداشت است. اهمیت چنین منابعی به صراحت در قوانین مختلف مورد اشاره قرار گرفته است. مطابق اصل ۴ قانون اساسی: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.» و همچنین مطابق اصل ۱۶۷ قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.» مقنن در ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی اشعار داشته است: «قضات دادگاه موظفاند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوی و صدور حکم امتناع ورزند والا مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.»

با توجه به مفاد قانونی یاد شده؛ در ذیل به بررسی و واکاوی دقیق مبانی فقهی و قانونی مسئولیت مدنی دولت پرداخته خواهد شد.

۳-۱. مبانی فقهی مسئولیت مدنی دولت

در راستای بررسی ابعاد گوناگون موضوع و با توجه به صبغه دینی حاکمیت کشور ایران، بررسی مبانی فقهی می‌تواند در راستای شناسایی مسئولیت دولت تا حد زیادی راهگشا بوده و مقنن را در این مسیر همچون چراغی روشن، همراهی نماید. دولت به مفهوم امروزی آن در زمان ظهور دین مبین اسلام وجود نداشته؛ از این حیث یافتن نظریاتی در خصوص مسئولیت مدنی این نهاد با دشواری بسیاری همراه بوده و صرفاً از برخی احادیث و روایات موجود می‌توان مسئولیت دولت را مستفاد نمود (رک

کلینی، ۱۴۰۷:۱۳۸، مجلسی دوم، ۳۷۸:۱۴۰۶ و صدوق، ۱۴۱۳:۴۷۳). فقهای اسلام در برخی موارد با مراجعه به نصوص کتاب و سنت، قواعد فقهی را استخراج نموده و با یافتن موازینی که احکام شرعی بر اساس آن‌ها بنا شده‌اند در موارد مستحدثه حکم مسئله را بیان می‌نمایند (محقق داماد، ۱۳۹۵:۷)؛ بنابراین به برخی قواعد فقهی قابل استفاده در خصوص مسئولیت مدنی دولت اشاره خواهد شد.

۳-۱-۱. قاعده لاضرر

یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی که در تاریخ فقه و حقوق اسلام مطرح و در خصوص آن بحث و تبادل نظر صورت گرفته؛ قاعده لاضرر می‌باشد. این قاعده در موردی که شخص از حق مالکیت خود تعمداً به ضرر غیر استفاده می‌نموده وضع شده و فقها آن را به موارد متعدد که ضرر فرد در میان است و مبنای مشابهی دارند سرایت داده‌اند به‌گونه‌ای که در روابط اشخاص با مراجع قدرت عمومی نیز می‌توان از قاعده یادشده استفاده نمود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲:۵۸۷). قاعده لاضرر مورد پذیرش همگان قرار دارد و صرفاً در تفسیر مفاد آن اختلاف‌نظرهایی مابین فقها به چشم می‌خورد (رضایی راد، ۱۳۸۹:۸۴). قاعده لاضرر به عنوان عمومی‌ترین اصل در فقه، هرچند می‌تواند تا حدی در شناسایی مسئولیت دولت مفید واقع شود، اما از آنجا که دولت در نقش‌های گوناگونی در جامعه نمود و ظهور دارد، همچون جایی که به جهت حفظ منافع عامه، اقدام به تخریب و نوسازی نموده یا برای تامین اقلام، واردات برخی محصولات را ممنوع یا محدود می‌کند، در موضوع مباحث عننه، خاصه نمی‌توان به عمومات این قاعده بسنده کرد و الزاماً می‌بایست جمیع ادله و اسناد را در کنار یکدیگر مورد مذاقه قرارداد. پذیرش این قاعده موجبات جبران ضرر و زیان‌های وارده توسط هر شخص اعم از حقیقی و حقوقی را فراهم خواهد آورد و از آنجایی که قاعده لاضرر امور عدمی را نیز در بر می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱:۸۶) اگر فرد مسئول وظایفی که بر عهده داشته را انجام نداده و بدین گونه اقدام به ترک فعل نماید و از این طریق ضرری به اشخاص وارد شود، مسئول جبران ضرر و زیان‌های وارده اعم از مادی و معنوی خواهد بود. بیماری کرونا موجبات اضرار مادی و معنوی تعداد کثیری از اشخاص را فراهم آورد و جبران چنین خساراتی با منطقی و عدالت کاملاً سازگار بوده و دولت را به دلیل عدم انجام درست

وظایف محوله در اطلاع‌رسانی به‌موقع نسبت به ورود بیماری و اقدامات احتیاطی که می‌بایست به وقوع می‌پیوست بر اساس قاعده یادشده می‌توان مسئول خسارات وارده محسوب نمود.

۳-۱-۲. قاعده اتلاف

فقها در موارد مختلف با تمسک به قاعده اتلاف سعی در اثبات مسئولیت مدنی نموده‌اند؛ از این رو برخی بیان داشته‌اند که اجماع، بنای عقلا و نصوص فراوان بر احترام به مال، عرض، عمل و خون مسلمانان دلالت دارد؛ بنابراین ورود ضرر با ضمانت اجرای جبران آن همراه خواهد بود (مراغه‌ای، ۱۴۱۷: ۴۳۴). موضوع اتلاف ممکن است ناظر به عین اموال، حقوق مالی و یا منافع باشد و از آنجایی که تقصیر در آن شرط نیست ارکان آن فعل زیان‌بار، ورود ضرر و رابطه علیت است (توکلی، ۱۳۹۴: ۱۲۹)؛ در نتیجه دولت در صورت ورود خسارت به غیر بر مبنای قاعده اتلاف مسئول جبران خسارات خواهد بود؛ بنابراین با اثبات ارکان مسئولیت مدنی در بحث ویروس کرونا و با تمسک به قاعده اتلاف می‌توان خسارات وارده نظیر زیان‌های شغلی که موجبات قرار گرفتن افراد در وضعیت نابسامان اقتصادی را فراهم آورده، مطالبه نمود.

۳-۱-۳. قاعده تسبیب

وارد نمودن خسارت به غیر به‌صورت غیرمستقیم را تسبیب گویند. بسیاری قاعده تسبیب را مصداقی از قاعده اتلاف قلمداد نموده‌اند؛ این در حالی است که بر مبنای روایات و با وجود تشابهات موجود، قاعده تسبیب ماهیتی متفاوت داشته و شایسته است به‌صورت جداگانه مورد ارزیابی قرار گیرد (انتظاری، محقق داماد، ۱۳۹۱: ۵۶).

تسبیب با فعل مثبت یا ترک فعل محقق می‌گردد. ترک فعل درجایی که انجام عمل وظیفه و تکلیف قانونی و قراردادی محسوب می‌شود، سبب تلقی می‌گردد (امامی، ۱۳۶۶: ۳۹۲). پس در صورتی که دولت با انجام فعل مثبت یا با ترک فعل و عدول از مقررات قانونی، مسبب ورود ضرر به افراد گردد مسئول جبران خسارات خواهد بود؛ در نتیجه دولت را به دلیل اتخاذ سیاست‌های ناروا در جلوگیری از تردهای غیرضروری؛ نبود

امکانات کافی برای رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی در بسیاری از اماکن و وسایل نقلیه عمومی؛ باز نمودن مدارس در بحبوحه شیوع ویروس کرونا و تشویق و الزام به حضور به‌موقع کارمندان در ادارات؛ می‌توان مسئول خسارات وارده ناشی از بیماری کرونا محسوب نمود؛ لذا در کنار نقش انکارناپذیر عامل اصلی فعل زیانبار سرایت بیماری کرونا، نقش تسبیبی دولت مطابق وظایف تدوین شده در قانون اساسی نباید مغفول واقع شود و براساس ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در اجتماع سبب و مباشر قاضی براساس میزان عمل ارتكابی و با تمسک به نقش مهم عرف باید اقدام به صدور رای نماید. ملاحظاتی مربوط به اقدامات حاکمیتی دولت، ما را بر آن می‌دارد تا در باب بهره برداری از این قاعده با ژرف‌نگری و حساسیت بیشتری عمل نماییم.

در مقابل برخی با استناد به قواعد احسان، عدم ضمان امین و اذن قائل به عدم مسئولیت مدنی دولت شده‌اند (مرتضوی، ۱۳۹۵: ۱۳۴). باید خاطر نشان نمود دولت وظیفه خدمت‌رسانی عمومی و حمایت از آحاد جامعه را بر عهده دارد و این امر با منطبق قاعده احسان سازگار است؛ ولیکن در برابر ارائه چنین خدماتی کارکنان و مستخدمین آن حقوق و مزایا دریافت و دولت نیز با اخذ مالیات به تأمین مخارج هدف خود می‌پردازد. نکته بعدی که بسیار حائز اهمیت است این است که ارائه خدمات در صورتی با منطوق قاعده احسان سازگار است که متضمن ورود زیان به مسلمین نگردد و اگر خدمت دولت موجبات مفسده‌ای را فراهم کند او را باید ضامن و مسئول جبران خسارات دانست. البته شایان ذکر است که اگر احسان به نحو عام مجموعی تحقق یابد و مصلحت اجتماعی در آن مستغرق و مفروض باشد دولت مسئولیتی در جبران خسارت نخواهد داشت باشد (حکمت‌نیا، فیاضی، ۱۳۹۴: ۱۱۳). در خصوص قاعده عدم ضمان امین نیز شایان ذکر است که خصیصه امین بودن به معنای مجوز هرگونه دخل و تصرف و نهایتاً عدم ضمان نیست و شخص امین در صورتی که تعدی و تفریط انجام داده و نسبت به وظایف ذاتی خود تخطی کند یقیناً باید او را مسئول قلمداد نمود. همچنین با منطوق بیان شده باید قائل به این نظر بود که صرف اذن به انجام امری ملازمه با نادیده گرفتن ضمان برای فرد مأذون نخواهد داشت؛ بنابراین مبانی مسئولیت دولت از وجاهت بیشتری برخوردار است (رک کرکی، ۱۴۱۴: ۳۶۵، حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۳ و نجفی، ۱۴۰۴: ۱۰۲)؛ لذا اشخاص متضرر می‌توانند برای جبران خسارات وارده در موارد

مطروحه بر علیه دولت طرح دعوی نمایند.

۲-۳. مبانی قانونی مسئولیت مدنی دولت

در گذشته فرض مسئولیت مدنی دولت با عقیده عمومی مصونیت آن ناسازگار بوده و جبران خسارت وارده به اشخاص توسط دولت مغایر با اصل حاکمیت انگاشته می شده است؛ از این رو شرایط برای خودکامگی دولت‌ها فراهم بوده است؛ چراکه مردم خود به پاس زحمات دولت در برقراری نظم عمومی و ارائه خدمات، مطالبه ضرر و زیان‌های وارده را امری ناصواب می‌پنداشتند. رفته‌رفته این نظریه دچار تغییرات شگرفی شد و جبران خسارت به‌عنوان یک اصل غیرقابل عدول، طرفداران بسیاری یافته و وارد نظام حقوقی شد؛ بنابراین اکنون موضوع مسئولیت دولت‌ها، امری پذیرفته‌تر شده و به مثابه هر شخص دیگری در صورتی که مرتکب قصور یا تقصیر شود، امکان مسئول شناخته شدن وی هست. از طرف دیگر صرف اثبات عدم قصور یا تقصیر نیز نمی‌تواند سببی برای رفع مسئولیت باشد؛ چراکه این موضوع تابعی از آن است که قانون‌گذار مسئولیت اشخاص و هم‌چنین دولت را با توجه به طیف گسترده‌ای از مسئولیت‌ها چگونه قلمداد نماید.

۱-۲-۳. قانون اساسی

مقنن در قانون اساسی که مبنا و پایه تمامی قوانین موضوعه کشور است در اصول مختلف الزامات و تکالیفی را برای دولت برشمرده است (اصول ۳، ۲۹ و ۴۳ قانون اساسی)؛ ولیکن در خصوص ضمانت اجرای عدول از وظایف محوله سخنی به میان نیآورده است و تنها در اصل ۱۷۱ قانون اساسی به پیروی از فقه به تقصیر یا اشتباه قاضی و ضمانت اجرای آن اشاره نموده است. این اصل بیان می‌دارد: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به‌وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.» اصل مذکور صرفاً در خصوص قضات مطالبی را مطرح کرده است و در خصوص سایر ارکان دولت تصریحی وجود ندارد ولی با توجه به مبانی فقهی

مسئولیت در اسلام می‌توان حکم به ضمان دولت و کارکنان آن در موارد مشابه داد. بر اساس اصل ۲۱ قانون اساسی: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز نماید.» به عقیده برخی حاکمیت از این قاعده مستثنا نبوده و دولت نیز مطیع حکم اصل یادشده خواهد بود (زیرک باروقی، ۱۳۹۵: ۱۴۹). عده‌ای برای تقویت نظریه یادشده به اصل ۴۰ قانون اساسی متمسک شده‌اند. اصل مذکور اشعار می‌دارد: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.» آنان بیان می‌دارند که با وسعت بخشیدن به معنای هیچ‌کس می‌تواند دولت را در برابر اعمالی که در نتیجه آن اشخاص متضرر می‌شوند مسئول دانست (واعظی، ۱۳۹۴: ۲۰۶). مفهوم سخن این افراد با عدالت و انصاف سازگار به نظر می‌رسد ولیکن واژه «هیچ‌کس» در زبان فارسی دارای مفهوم مشخصی است و اشخاص حقوقی را در بر نمی‌گیرد؛ از این رو احیای عدالت با تغییر در مفاهیم بدیهی امری پسندیده‌ای جلوه نمی‌کند و باید به دنبال راهکار مناسب دیگری بود. علی‌ای حال با پشتوانه قانونی یادشده و با توجه به تأکید مقنن به اهمیت نقش دولت در مقوله بهداشت عمومی و وظیفه تأمین این نیاز اساسی، اثبات سستی دولت و مقامات دولتی در وظیفه خطیر محوله جلوگیری از شیوع کرونا، امکان مطالبه خسارت را فراهم خواهد آورد.

۲-۲-۳. قوانین عادی

با توسعه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، لزوم حمایت از اشخاص زیان‌دیده بیش‌ازپیش احساس می‌شود و به دلیل نارسایی موجود در قانون مدنی در خصوص مسئولیت مدنی، قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۹ توسط کمیسیون مشترک دو مجلس به تصویب رسید. مطابق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی را به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارات وارده می‌باشند. ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا موسسه مربوطه است. ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت

برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.» ماده یادشده گامی بلند در راستای مسئولیت مدنی دولت تلقی می‌گردد و از این جهت که سخن از کلیه کارکنان دولت نموده بسیار حائز اهمیت است. به درستی قانون‌گذار با رعایت مسئولیت‌های خاص دولت در نقش‌های گوناگون، توانسته است، در راستای حمایت از جامعه مقرر مناسبی را وضع نماید. همچنانکه در انتهای ماده به پیروی از تقسیم‌بندی وظایف دولت به امور حاکمیتی و تصدی‌گری، بیان‌شده اقداماتی که دولت برحسب ضرورت برای تأمین منافع عمومی انجام می‌دهد اگر سبب ورود خسارت به افراد گردد، دولت مصون از جبران خسارت بوده و فاقد مسئولیت مدنی است. ایده مصونیت دولت مدت‌ها است که کنار گذاشته‌شده و اصل جبران خسارت حتی توسط دولت‌ها موردپذیرش قرار گرفته است (هداوند، ۱۳۹۴: ۷۹۸). درواقع عدم مدیریت صحیح دولت، موجب سرایت سریع‌تر کرونا به تمام شهرهای ایران شد چه اینکه اگر در همان زمان، قم به عنوان مبدا کرونا قرنطینه می‌شد امکان مدیریت کووید ۱۹ در زمینه سرایت‌کننده‌تر و فراهم آوردن واکسن وجود می‌داشت و در این زمینه نیز دولت به مسئولیت مدنی خود به درستی عمل نکرده است. لذا می‌توان گفت که دولت‌ها نیز مانند سایر افراد، گاه به دلیل افراط در فعالیت‌های خود باعث آسیب به شهروندان می‌شوند. پس این سوال مطرح می‌شود که آیا در چنین مواردی دولت موظف به جبران است؟ بر اساس نظریه «اعمال تصدی و حاکمیتی»^۱ که توسط حقوقدانان فرانسوی مطرح شده است، دولت تنها مسئول خسارات ناشی از اعمال تصدی خود است (Ripstein, 2017: 14-26). همچنین ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ایران دولت را ملزم به جبران خسارات ناشی از اعمال حاکمیت نکرده است و این در حالی است که به وضوح تفکیک یاد شده و تحدید مسئولیت مدنی دولت بر اعمال تصدی با روح حاکم بر قواعد فقهی و قانونی در تعارض بوده و به هیچ وجه نمی‌تواند عادلانه تلقی شود (هوشمندفیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۶).

در خصوص نقش وسایل ادارات و مؤسسات؛ در یک تقسیم‌بندی کلی نقایص یادشده را می‌توان به دو قسم کمی و کیفی منقسم نمود (امیرارجمند، زرگوش، ۱۳۸۸: ۱۲۹)؛

1. acts of tenure and sovereignty

بر این اساس اگر کمبود وسایل و وجود تجهیزات نامناسب موجبات خسارت گردد دولت موظف به جبران خسارت شخص زیان‌دیده خواهد بود. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواد مختلفی به پیروی از نظر فقها و اصل ۱۷۱ قانون اساسی، مسئولیت جبران خسارات وارده به متهمین و مجرمین را صراحتاً مورد پذیرش قرار داده است (مواد ۱۳، ۱۶۳ و ۴۸۶ قانون مجازات اسلامی) و همچنین قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۱۴۵، ۲۵۵ الی ۲۶۱ و ۵۱۸ به مسئولیت ناشی از صدور و اجرای آرای قضایی پرداخته است (رحیمی، ۱۳۹۹۷: ۱۷۱).

قوانین یادشده در جهت حمایت هرچه بیشتر از شخص زیان‌دیده و مسئولیت‌پذیری بیش‌ازپیش دولت در قبال احاد جامعه تغییرات ملموسی را تجربه نموده‌اند. علاوه بر قوانین یادشده، مواد ۷۸ قانون تجارت الکترونیک؛ ۲۴ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی؛ ۴۴ قانون توزیع عادلانه آب و ماده ۹ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی صراحتاً به مسئولیت مدنی دولت اشاره نموده‌اند؛ بنابراین مسئول قلمداد نمودن دولت در موضوع شیوع و پروس کرونا با پشتوانه قانونی همراه خواهد بود.

۴. دولت و مطالبه خسارت مادی و معنوی ناشی از کرونا بر اساس مبانی یاد شده

همچنان که پیشتر مطرح شد، نمود بیرونی دیدگاه‌های مختلف و مبانی نظری در قوانین متعددی توسط قانون‌گذار منعکس شده است که در این بخش براساس جوهره موارد تفصیلی مذکور، می‌توان اساس مسئولیت را برای دولت در موضوع خسارات ناشی از کرونا به رسمیت شناخت. همچنان که مبانی فقهی و قوانین اساسی و عادی در موضوعات کلی بدان اشاره نموده‌اند. به بیان دیگر بر پایه قواعد فقهی مذکور و قانون مسئولیت مدنی، در فرضی که مبانی مسئولیت وفق مقررات یادشده احراز گردد و استثنائی بر مسئولیت آن قید نشده باشد، نظریه مسئول شناختن دولت بی‌اساس نخواهد بود و قابلیت دفاع دارد.

مقنن در قانون مسئولیت مدنی صراحتاً مطالبه خسارات مادی و معنوی را مورد پذیرش قرار داده و با بیان مصادیقی این دو خسارت را از حیث توان مطالبه هم‌عرض یکدیگر پنداشته است. ماده ۱ قانون یادشده مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی

عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» همچنین در اصل ۱۷۱ قانون اساسی که از مسئولیت قاضی سخن گفته شده مطالبه خسارت مادی و معنوی به عنوان حقی برای شخص متضرر قابل دریافت می‌باشد. البته شایان ذکر است در باب مطالبه خسارت معنوی با وجود صراحت در نص قانونی برخی مطالب آن را به جهات نظری، عملی و اخلاقی فاقد وجهت می‌دانند (نقیبی، ۱۳۸۶: ۳۲۵ و باریکلو، ۱۳۸۹: ۲۳۸). در مقابل عده‌ای با توجه به استدلال برخی فقها در خصوص الزام به جبران تمام خسارات و بیان مصادیق خسارت معنوی در تعریف ضرر (انصاری، ۱۴۱۶: ۳۷۲، بجنوردی، ۱۴۱۰: ۲۱ و الحسینی المرآغی، ۱۴۱۷: ۳۰۹) مطالبه خسارات معنوی را جایز می‌دانند (اصغری آقمشهدی، ۱۳۸۲: ۳۴)؛ بنابراین خسارت معنوی در فقه شیعه مورد توجه فقها واقع شده و در پرتو قواعد فقهی مانند لاضرر و لاجرح آن را نوعی ضرر و قابل جبران دانسته‌اند. حقوق ایران نیز به تأسی از فقه امامیه، خسارت معنوی را مورد پذیرش قرار داده است. در رأس همه قوانین قانون اساسی در اصل ۱۷۱ از خسارت معنوی یاد کرده و شرح و تفسیر آن را بر عهده‌ی قوانین عادی قرار داده است. در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ که حاوی احکام خاصی راجع به نحوه جبران خسارت و بیان شرایط ضررهای قابل جبران است، خسارت معنوی را نوعی ضرر و قابل جبران تلقی کرده است. تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز ضمن تعریف خسارت معنوی این خسارت را قابل جبران دانسته است، اما مهم‌ترین نکته در بحث خسارت معنوی امکان یا عدم امکان جبران خسارت معنوی با پرداخت پول یا همان جبران مادی است که قوانین مربوطه از این حیث از صراحت کافی برخوردار نیست. ارزیابی مالی میزان خسارت معنوی امری فوق‌العاده دشوار است؛ که ضابطه مشخصی برای آن وجود ندارد. از طرفی ماهیت خسارت معنوی به نحوی است که اساساً نمی‌توان با پرداخت پول آن را جبران کرد و حتی جبران پولی نوعی توهین به شخصیت زیان‌دیده است؛ ولیکن سختی تقویم خسارت معنوی نباید به دستاویزی برای نادیده گرفتن آن تبدیل شود. همچنین جبران مادی خسارت معنوی را نمی‌توان به منزله توهین به شخصیت زیان‌دیده دانست؛ بلکه

نادیده گرفتن این خسارت و عدم حمایت حقوقی از این بُعد شخصیت انسان خود نوعی توهین به ساحت معنوی انسان است؛ چراکه فقدان ضمانت اجرا در خصوص شخصیت معنوی منتهی به تجری افراد در تجاوز لجام‌گسیخته به ارزش‌های معنوی و از بین رفتن صلح و نظم اجتماعی می‌شود. بنا به همین ملاحظات خسارت معنوی در حقوق ایران مورد شناسایی قرار گرفته و در قابل جبران بودن آن تردیدی نیست؛ لکن در خصوص جبران مادی آن قضیه محل تأمل است اما به نظر می‌رسد بتوان به استناد برخی مواد قانونی جبران خسارت معنوی به شیوه مادی را اثبات کرد که باید مورد توجه ویژه محاکم قضایی قرار گیرد. برای مثال تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری پس از تعریف خسارت معنوی اشعار داشته دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید؛ در این تبصره که به خسارت معنوی اختصاص دارد به صراحت جبران مالی خسارت معنوی پذیرفته شده است؛ اما ضابطه‌ای برای ارزیابی آن ارائه نشده است.

در خصوص مطالبه خسارات وارده اکثر قوانین ضمانت شخص حقیقی را مدنظر قرار داده و از آن سخن می‌گویند. این در حالی است که با توجه به اصل وحدت شخصیت حقیقی و حقوقی موجود در ماده ۵۸۸ قانون تجارت، تمیز مابین این افراد جز در حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد، جایز نیست؛ از این رو دولت را باید در مواردی که موجب ورود خسارت به غیر می‌گردد مسئول قلمداد نمود. در مواردی که دولت به مانند شخص حقیقی اقدام به تصدی‌گری می‌نماید شبهه‌ای در مسئولیت او وجود ندارد ولیکن در موارد اعمال حاکمیت، فرض مسئولیت مدنی دولت با تردیدهایی مواجه می‌گردد که شاهد مثال آن نیز قسمت انتهایی ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی است. به همین دلیل شاید پسندیده و اخلاقی نباشد در فرض مقابله دولت با کشور متخاصم در جنگ تحمیلی حادث شده و نهایتاً ورود خسارات به اشخاص، دولت را که با هدفی والا و برای حفظ سرزمین و کیان آن به پا خاسته مسئول بدانیم. با وجود چنین منطقی در بسیاری از موارد باید از جبران ضررهای وارده چشم‌پوشی اجباری نمود.

جبران ضرر و خسارات وارده به عنوان یک اصل باید در مواقع مختلف مورد توجه

قرار گیرد؛ از این رو حتی اگر به موجب جنگی تحمیلی خساراتی به افراد جامعه وارد گردد، دولت موظف به جبران آن خواهد بود (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۵۹). همچنین اگر بلاایای طبیعی منجر به ورود ضرر گردند دولت با توجه به منابع عمومی و مالیات‌هایی که دریافت می‌دارد، باید اقدام به جبران ضررهای وارده به مردم نماید و این امر از قاعده فقهی الخراج بالضمنان که در بحث مستندات فقهی مسئولیت مدنی دولت همواره مغفول واقع شده قابل برداشت است (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۶۸). پس به طریق اولی دولت را در مواردی که مرتکب تقصیر شده باید مسئول دانست؛ از این رو آیات عظام و مراجع تقلید در پاسخ به استفتایی در خصوص خسارات وارده ناشی از نقص وسایل آزمایشگاهی، پزشکی و... قائل به مسئولیت دولت در پرداخت خسارات وارده شده اند (صابری، ۱۳۹۷: ۱۸۹)؛ بنابراین اقامه عدل و احقاق حقوق مردم از وظایف اصلی دولت اسلامی محسوب می‌شود و بر این اساس جبران خسارات وارده از اهم واجبات است (امام خمینی، ۱۴۲۱: ۴۶۰).

در موضوع شیوع ویروس کرونا برخی، دولت را به دلیل تعلل در اطلاع‌رسانی دقیق از ورود ویروس به کشور و کاستی‌های موجود در بخش بهداشت و درمان مقصر می‌دانند. از آنجایی که دولت به صورت مؤثر در بدو امر اقدام به صدور هشدار به مردم در خصوص امکان ورود ویروس کرونا به کشور ننموده، بر اساس قاعده فقهی تحذیر (علیشاهی قلعه جوقی، دانش نهاد، ۱۳۹۷: ۱۹۱) مسئول قلمداد و ملزم به جبران تمامی خسارات وارده اعم از معضلات اقتصادی ناشی از شیوع ویروس و پرداخت دیه فوت‌شدگان می‌باشد. هرچند که چندان نیز نمی‌توان از دولت پیشگویی را انتظار داشت و به بیان دیگر دولت نیز دقیقاً به جهت ملاحظه منافع عامه در برخی موارد اقدامات ضربتی نظیر تعطیلی همگانی را که به اقتصاد بخش عمده‌ای از مردم آسیب جبران‌ناپذیری وارد می‌آورد را با دقت و ملاحظه پیش برده است. در غیر این صورت همانا داعیه‌داران حمایت از منافع عامه، در این اقدام دولت مبنی بر تعطیلی همگانی، نارضایتی خود را ابراز می‌نمودند. البته لازم به ذکر است که بدون تردید تحذیر رافع مسئولیت مدنی است (هوشمند فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۸۱) و اثبات عدم تحذیر دولت در مانحن‌فیه نیازمند بررسی دقیق می‌باشد. خلاصه آنکه مسئول شناختن دولت امری محال نیست و با مبانی فقهی و حقوقی کشور نیز کاملاً سازگاری دارد؛ لکن در خصوص

هر موضوع به تفکیک و با مذاقه عمیق در آن می‌بایست نوع مسئولیت دولت را بازشناخت و نسبت به جبران آن اقدامات لازم را به عمل آورد. علاوه بر موارد مذکور کمبود امکانات بهداشتی و کیفیت نامناسب برخی از اقلام بر اثرات مخرب شیوع ویروس بیش‌ازپیش افزود؛ ازاین‌رو در صورت فراهم بودن ارکان تسبیب به‌عنوان یکی از چهره‌های ضمان قهری (فعل زیان‌بار همراه با تقصیر، ضرر و رابطه سببیت) می‌توان دولت را مسئول جبران خسارات دانست. دراین‌بین با اثبات تقصیر و کاهلی در انجام‌وظیفه توسط مقامات مسئول، خواسته ریاست‌جمهور و وزیر بهداشت، جبران ضرر و زیان‌های وارده به‌وسیله این افراد امکان‌پذیر خواهد بود. لازم به ذکر است مطابق مواد ۱ و ۲ لایحه مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی که متأسفانه تاکنون در عمل به منصفه ظهور نرسیده، «کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نیروهای مسلح و قوه قضاییه، کلیه دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آن‌ها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و در این قانون مؤسسات عمومی خوانده می‌شوند مسئول جبران خسارت مادی، معنوی و بدنی هستند که مستخدمان و کارکنان آن‌ها در نتیجه بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت یا عدم رعایت غیرعمدی قوانین، مقررات یا نظامات مربوط در حین انجام‌وظیفه یا به مناسبت آن به اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی وارد می‌آورند.» و همچنین مطابق ماده ۲ قانون یادشده، «چنانچه مستخدمان و کارکنان مشمول ماده یک قانون، بدون مجوز قانونی، در حین انجام‌وظیفه یا به مناسبت آن، عمداً سبب خسارت به دیگری شوند، متضامناً با موسسه عمومی که آنان را استخدام کرده یا به‌عنوان مأمور پذیرفته است مسئول جبران خسارت خواهند بود. چنانچه زیان دیده ابتداً به موسسه عمومی مراجعه کند، موسسه نیز پس از جبران خسارت باید به مستخدم یا کارمند رجوع نماید. تبصره- در صورتی که ورود خسارت عمدی بوده و در مقام انجام‌وظیفه نباشد موسسه مسئول جبران خسارت نخواهد بود.» اصل مسئولیت مدنی دولت و مؤسسات عمومی در برابر اعمال خسارت‌آمیز کارکنان بدون تفکیک بین امور حکومتی و تصدی‌گری مورد پذیرش قرار گرفته و با گسترده نمودن مسئولیت دولت امکان تحقق عدالت در اثر جبران خسارات وارده به اشخاص زیان‌دیده بیش‌ازپیش مهیا خواهد بود.

۵. بررسی تزامم میان وظایف دولت

بدون تردید دولت براساس قانون اساسی وظایف مختلفی از قبیل تامین مسکن، تسهیل در اشتغال و ایجاد شغل، آموزش و پرورش رایگان، توسعه بهداشت عمومی و ... را برعهده دارد؛ بنابراین شاید بتوان گفت که مسئول قلمداد نمودن دولت بدون در نظر گرفتن سایر وظایف او منطقی جلوه نمی کند؛ چراکه الزاما باید به تزامم میان وظایف مختلف دولت توجه نمود و در صورت رفع تزامم و اثبات ترجیح یک وظیفه مانند بهداشت عمومی بر سایر وظایف او را مسئول قلمداد نمود؛ اما باید توجه داشت که دولت موظف است تمام وظایف محوله را به صورت مناسب انجام دهد و اگر کاهلی دولت در یکی از وظایف فارغ از وجود یا عدم وجود تزامم اثبات شود، باید او را در صورت وجود سایر شرایط مسئول پنداشت.

میزان فعالیت دولت به مراتب از اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی بیشتر است و همین گستردگی حوزه فعالیت، احتمال ورود خسارت را افزایش می دهد. دولت وظیفه تامین منافع آحاد جامعه را بر عهده دارد و در بسیاری از موارد تحت تاثیر اضطراب اجتماعی ناچار به انجام واکنش فوری می شود و همین امر ممکن است موجبات ورود خسارت به دیگران را فراهم آورد. اگر اضطراب اجتماعی یاد شده در ما نحن فیه اثبات شود و در نتیجه عمل حاکمیتی دولت زبانی به دیگری بار آید، صرف تمسک به اضطراب نمی تواند عاملی بر رفع مسئولیت دولت در جبران ضرر محسوب شود چراکه بر مبنای قاعده الاضرار لایبطل حق الغیر، علی رغم تلاش دولت در تامین منافع عمومی، ضرر وارده نباید بدون جبران باقی بماند؛ از این رو در مقام شک و تردید باید به اصل که همان جبران خسارت است رجوع نمود و فرض اضطراب نمی تواند موجبات تزییع حقوق مکتسبه اشخاص را فراهم آورد؛ ولیکن اگر شخص زیان دیده با سرپیچی از توصیه های بهداشتی عاملی بر ورود ضرر محسوب شود، یقینا بر مبنای قاعده اقدام، دولت مسئولیتی برای جبران خسارت نخواهد داشت.

شایان ذکر است همانطور که قبلا بیان شد دولت با تمسک به قواعد احسان و تحذیر، خود را مسئول جبران ضرر نمی داند. یقینا آگاهی بخشی به دیگران در خصوص خطر موجود می تواند عامل رفع مسئولیت قلمداد گردد ولیکن از آنجایی که به نظر می رسد دولت در پیشگیری از سرایت بیماری کرونا به داخل کشور و همچنین

در شیوع همه جانبه آن میان آحاد مردم اهتمام ویژه نورزیده است، علاوه بر خطای اداری که بر او مفروض است، مسئولیت مدنی نیز خواهد داشت. لازم به ذکر است بسیاری از افراد با علم به مسری بودن بیماری خود و پیش‌بینی انتقال بیماری در اماکن عمومی حضور پیدا نموده و موجبات انتقال بیماری به سایرین را فراهم آورده اند که در این صورت چنین اشخاصی مرتکب تقصیر شده‌اند و با در نظر گرفتن ارکان مسئولیت مدنی، مسئول جبران زیان وارده تلقی می‌شوند؛ اما اگر نسبت به بیماری خود آگاه نبوده و شناختی در خصوص مسری بودن آن نداشته باشند و اطلاع‌رسانی و آموزش نامناسب دولت عاملی بر عدم آگاهی شخص باشد، می‌توان همچنان دولت را مسئول پنداشت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

برآمد

مسئولیت مدنی دولت و مدیران دولتی همواره به‌عنوان یکی از مباحث چالش‌برانگیز در عالم حقوق مطرح بوده است. ورود ویروس کوئید ۱۹ (کرونا) به کشور ایران با آثار و تبعات منفی بسیاری از جمله بیکاری تعداد کثیری از مردم و ایجاد وضعیت نابسامان اقتصادی که خود زمینه‌ساز مشکلات خانوادگی و حتی طلاق شده و از طرف دیگر فوت هم‌میهنان زیادی همراه بوده است. برخی با بیان شاهد مثال‌هایی از کوتاهی دولت در اطلاع‌رسانی ورود ویروس کرونا و کمبود کمی و کیفی تجهیزات پزشکی، دولت را مقصر اصلی چنین وضعیتی قلمداد نموده‌اند.

دولت‌ها از طریق انجام امور حاکمیتی و تصدی‌گری درصدد تأمین منافع اجتماعی و کسب درآمد برای اداره امور برمی‌آیند. در راستای اعمال تصدی‌گری اگر خساراتی به بار آید قانون مسئولیت مدنی با در نظر گرفتن شرایطی دولت را مسئول جبران خسارات می‌داند و این در حالی است که در امور حاکمیتی به دلیل هدف والای دولت در تحقق منافع عمومی و با پشتوانه قاعده فقهی احسان، دولت از جبران خسارات وارد معاف است. این نگرش در لایحه مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی با تغییرات ملموسی همراه بوده و بدون در نظر گرفتن تفکیک یادشده به اعمال حاکمیتی و تصدی‌گری و بر مبنای نظریه تقصیر دولت مسئول جبران خسارات وارده قلمداد شده است. اصل جبران خسارات وارده به‌موجب قواعد فقهی لاضرر، اتلاف، تسبیب، ضمان ید و... مورد پذیرش قرار گرفته است. در فرض ورود خسارت توسط دولت با توجه به قواعد یادشده و همچنین قاعده اخراج بالضمن و اصل وحدت شخصیت اشخاص حقیقی و حقوقی، دولت را باید مکلف به جبران خسارات وارده دانست.

دولت‌ها در قبال انجام وظیفه ذاتی خود اقدام به دریافت مالیات نموده و تکلیف به ارائه خدمات مناسب و انجام درست امور دارند؛ از این‌رو در صورت بروز خسارت و اثبات تقصیر توسط دولت یا حتی در مواردی که فعالیت دولت منجر به خطری گردد، دولت را باید مسئول جبران خسارات وارده قلمداد نمود؛ بنابراین اگر دولت ایران و مقامات مسئول با فعل یا ترک فعل خود سبب ورود خسارات مادی و معنوی در بحث شیوع ویروس کرونا به مردم شده باشند در صورت اثبات رابطه سببیت مابین اعمال دولت و ورود ضرر، حکم به جبران خسارات توسط این اشخاص مصداق بارز رعایت عدالت و انصاف خواهد بود.

در این جستار سعی بر آن شد تا مسئولیت دولت از زوایا و جنبه‌های مختلف نظیر بررسی قانونی، فقهی و سوابق تقنینی کشورهای دیگر مورد ارزیابی و بررسی منصفانه‌ای قرار بگیرد. در نتیجه پیشنهاد می‌گردد قانون مسئولیت مدنی که مناسب‌ترین قانون جهت طرح مسائل مربوط به خسارات است، مسئولیت مدنی دولت را بدون در نظر گرفتن تفکیک در امور حاکمیتی و تصدی‌گری و به‌صورت مطلق بیان نماید تا بدین گونه دستگاه قضا با اطمینان خاطر و به دور از شک و با پشتوانه قانونی اقدام به صدور رأی کند.



منابع الف) فارسی

۱. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۶). *حقوق اداری ایران*، تهران: نشر توس، چاپ پنجم.
۲. احسانی آملی، احسان (۱۳۹۶). *بررسی مطالبه خسارات ناشی از اجرای طرح‌های دولتی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، مؤسسه آموزش عالی غیردولتی ادیب مازندران.
۳. استوار سنگری، کورش (۱۳۹۰). *مفهوم دولت در آراء وحدت رویه دیوان عدالت اداری*، مطالعات حقوقی، شماره ۱.
۴. اصغری آقمشه‌دهی، فخرالدین (۱۳۸۲). *جبران خسارت معنوی در حقوق ایران*، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره‌های ۹ و ۱۰.
۵. اکبری، افشار، رستمی، ولی، عطریان، فرامرز (۱۳۹۸). *بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی دولت و مراجع رسیدگی‌کننده به آن در حقوق ایران و انگلستان*، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۱۹، شماره ۱۲.
۶. الحسینی المراغی، السید میرعبدالفتاح (۱۴۱۷). *العناوین*، قم: مؤسسه نشر الاسلامی، جلد اول.
۷. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱). *البیع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد دوم.
۸. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد یازدهم و پانزدهم.
۹. امامی، سید حسن (۱۳۶۶). *حقوق مدنی*، تهران: انتشارات کتاب‌فروشی اسلامیه، جلد اول، چاپ ششم.
۱۰. امیرارجمند، اردشیر، زرگوش، مشتاق (۱۳۸۸). *تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی دولت*؛ مطالعه تحلیلی تطبیقی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۹.
۱۱. انتظاری، علیرضا، محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۱). *نقش قواعد اتلاف و تسبیب در مسئولیت مدنی زیست‌محیطی*، *مطالعات اسلامی: فقه و اصول*، سال ۴۴، شماره ۸۹.
۱۲. انصاری، الشیخ مرتضی (۱۴۱۶). *کتاب المکاسب*، رساله فی قاعده النفی الضرر، قم: مؤسسه النشر، چاپ دوم.

۱۳. بادینی، حسن (۱۳۸۴). *فلسفه مسئولیت مدنی*، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
۱۴. باریکلو، علیرضا (۱۳۸۹). *مسئولیت مدنی*، تهران: میزان.
۱۵. بجنوردی، حسن (۱۴۱۰). *القواعد الفقهیه*، قم: انتشارات اسماعیلیان، جلد دوم.
۱۶. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۱). *ضمان قهری ((مسئولیت مدنی))*، تهران: دانشگاه امام صادق.
۱۷. بهرامی احمدی، حمید، علم‌خانی، اعظم (۱۳۹۲). تأملی بر جنبه‌های کاربردی دعوی مسئولیت مدنی علیه دولت در قبال خسارت‌های زیست‌محیطی، *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، سال ۲، شماره ۵.
۱۸. توکلی، محمدمهدی (۱۳۹۴). *مختصر حقوق مدنی*، تهران: چتر دانش، چاپ ششم.
۱۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۲). *ترمینولوژی حقوق*، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ بیست و پنجم.
۲۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۲۱. حکمت‌نیا، محمود، فیاضی، مسعود (۱۳۹۴). احسان به جمع (احسان جمعی) و نقش آن در مسئولیت مدنی، *فقه و اصول*.
- . 47(2), 99-115. doi: 10.22067/fiqh.v47i21.31281
۲۲. رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۷). تحولات مسئولیت مدنی دولت به سبب صدور و اجرای آرای قضایی با تصویب قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری جدید، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال ۲۰، شماره ۵۹.
۲۳. رضائی‌راد، عبدالحسین (۱۳۸۹). گستره کارآمدی قاعده فقهی لاضرر، *حقوق اسلامی*، سال ۷، شماره ۲۵.
۲۴. رضایی‌زاده، محمدجواد، عطریان، فرامرز (۱۳۹۲). مسئولیت مدنی دولت ناشی از تصویب، تغییر و یا عدم اجرای طرح‌های شهری، *حقوق اداری*، سال ۱، شماره ۱.
۲۵. ریاحی، نوربخش (۱۳۹۷). مبانی نظری مصونیت و مسئولیت مدنی دولت، *حقوق اسلامی*، سال ۱۵، شماره ۵۸.
۲۶. زیرک باروقی، اصغر (۱۳۹۵). رویکرد امام خمینی (ره) در قاعده الخراج بالضمان و کارکرد آن در اثبات مسئولیت مدنی دولت، *حکومت اسلامی*، سال ۲۱، پیاپی ۸۰، شماره ۲.

۲۷. صابری، علی (۱۳۹۷). *به رنگ خون: (بازخوانی مسئولیت مدنی دولت در پرونده خون‌های آلوده هموفیلی‌ها)*، قم: انتشارات حقوق امروز.
۲۸. صدوق، حمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳). *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد ۴، چاپ ۲.
۲۹. صفایی، حسین، رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۲). *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، تهران: سمت، چاپ پنجم.
۳۰. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۸). *حقوق اداری*، تهران: سمت، چاپ پنجم.
۳۱. علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل، دانش نهاد، محمد (۱۳۹۷). جایگاه قاعده ((تحدیر)) در مسئولیت مدنی اشخاص و دولت، *آموزه‌های فقه مدنی*، شماره ۱۷.
۳۲. غمامی، مجید (۱۳۷۶). *مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود*، تهران: دادگستر.
۳۳. فقهی، ثمین (۱۳۸۸). *بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی کارکنان دولت در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۳۴. قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۸۵). *مبانی مسئولیت مدنی*، تهران: میزان، چاپ چهارم.
۳۵. قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۸۷). *مسئولیت مدنی بدون قرارداد*، تهران: میزان، چاپ سوم.
۳۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸). *الزام‌های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی*، تهران: گنج دانش، جلد اول، چاپ پانزدهم.
۳۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). *دوره مقدماتی حقوق مدنی: وقایع حقوقی - مسئولیت مدنی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دهم.
۳۸. کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)، جلد دوم، چاپ دوم.
۳۹. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، جلد هفتم، چاپ چهارم.
۴۰. مجلسی (مجلسی دوم)، محمدباقر (۱۴۰۶). *ملاذ الأخبار فی فهمه تهذیب الأخبار*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، جلد نهم.

۴۱. محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۵). قواعد فقه، بخش مدنی ۲، تهران: سمت، چاپ پانزدهم.
۴۲. مراغه‌ای، سید میر عبد الفتاح (۱۴۱۷). *العناوین الفقهیه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، جلد دوم.
۴۳. مرتضوی، سید ضیاء (۱۳۹۵). سازگار ساختن دولت با مسئولیت جبران خسارت، گامی در استوار سازی عدالت، *علوم سیاسی*، سال ۱۹، شماره ۷۶.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱). *القواعد الفقهیه*، قم: انتشارات مدرسه امیرالمؤمنین (ع)، جلد اول.
۴۵. موسی زاده، رضا (۱۳۸۷). *حقوق اداری*، تهران: میزان، چاپ دهم.
۴۶. میرداداشی، سید مهدی (۱۳۹۲). مبانی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی دولت، *حقوق اسلامی*، سال ۱۰، شماره ۳۷.
۴۷. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴)، *جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام*، تحقیق عباس قوچانی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم.
۴۸. نقیعی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۹). *خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام‌های حقوقی معاصر*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴۹. واعظی، سید مجتبی (۱۳۹۴). معیار عمل حاکمیت در حقوق اداری ایران، *مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره ۷، شماره ۲.
۵۰. هداوند، مهدی (۱۳۹۴). *حقوق اداری تطبیقی*، تهران: سمت، جلد دوم، چاپ پنجم.
۵۱. هوشمند فیروزآبادی، حسین، جاور، حسین، زرگریان، طاها (۱۳۹۹). مسوولیت مدنی دولت در قبال رفتار زبان بار حاکمیتی، *فصلنامه حکومت اسلامی*، سال بیست و پنجم شماره ۲ (پیاپی ۹۶).
۵۲. هوشمند فیروزآبادی، حسین (۱۳۹۹). امکان سنجی رفع مسئولیت مدنی ناقلان بیماریهای همه‌گیر (کرونا) در پرتو قاعده تحذیر، *حقوق اسلامی* ۱۷ (۶۴).

ب) انگلیسی

1. Bagheri Lankarani, K., Honarvar, B., Kalateh Sadati, A., & Rahmani Haghghi, M. R. (2021). Citizens' Opinion on Governmental

Response to COVID-19 Outbreak: A Qualitative Study from Iran. IN-QUIRY: The Journal of Health Care Organization, Provision, and Financing.

2. Hegel, G. W. F. (1956). The Philosophy of History, trans. by J. Siree (New York, 1956), 14.

3. Ripstein, Arthur(2017) Property and Sovereignty: How to Tell the Difference, Theoretical Inquiries in Law 18(2)

4. Wright , Robin(2020), "How Iran Became an Epicenter of the New Coronavirus Outbreak," New Yorker, February 28, <https://www.newyorker.com/news/our-columnists/how-iran-became-a-new-epicenter-of-the-coronavirus-outbreak>.

ج) تارنما

۵۷. وبگاه خبری تسنیم <https://www.tasnimnews.com/fa/>> news/1398/12/28/2225941، تاریخ مراجعه ۱۳۹۹/۵/۲۰.

۵۸. وبگاه خبری ایرنا [</https://www.irna.ir/news/83838190>](https://www.irna.ir/news/83838190)، تاریخ مراجعه ۱۳۹۹/۵/۲۰.

۵۹. وبگاه خبرآنلاین [<https://khabaronline.ir/news/1411353>](https://khabaronline.ir/news/1411353)، تاریخ مراجعه ۱۳۹۹/۵/۲۰.